

## تاریخچه آواشناسی واکه‌ها در زبان اوستایی

ولادیمیر ایوانف

استاد دانشگاه مسکو

زبان اوستایی در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد در منطقه فلات ایران رایج بود. زردشت گات‌ها را به این زبان سروده است و به احتمال قوی او خود نخستین کسی بوده که این گات‌ها را آهنگین می‌خوانده است. براساس نظریه خانم دکتر ماریتا استپانیانتس<sup>۱</sup> آیین دین زردشت در آیین موسی تأثیر داشته و در نتیجه، به اعتقاد ایشان، زردشت در حدود قرن سیزدهم پیش از میلاد می‌زیسته است. (مقالات کنگره ایران‌شناسی، مسکو: ۲۰۰۱)

هرودوت - مورخ یونانی - نیز در گزارش‌های خود آورده است که مغ‌ها، در دوره هخامنشی، نیایش‌های مذهبی مربوط به خدایان را با آواز و همراهی سازهایی نظیر نای اجرا می‌کرده‌اند. (فاربر ۱۹۶۷: ۲۷۸۷)

در دوران پادشاهی حضرت داوود (۹۵۰ پ م) نیز، پسرش، حضرت سلیمان، که دختر فرعون را به همسری گرفته بود، در بازگشت به فلسطین، تعداد زیادی از سازهای مصری را به فلسطین آورد؛ و بدین‌سان، موسیقی، به‌ویژه موسیقی مذهبی، در سرزمین یهود ادامه یافت و معبد اورشلیم نیز به‌عنوان نیایشگاه بزرگ و اصلی مؤمنان یهودی ساخته شد. موسیقی مذهبی در نیایشگاه‌های یهودیان، بی‌تردید، تقلیدی از معابد مصری بوده است؛ ضمن آنکه آنان تورات را هم آهنگین

---

1. Marietta Stepaniants

## ۲ فرهنگ، ویژه زبان‌شناسی

قرائت می‌کردند. (آثاری ۱۳۸۱:۱۳۹)

پس از بررسی تحقیقات اوستاشناسان روسی و اروپایی درباره آواشناسی زبان اوستایی، متوجه شدم روش خواندن اوستاشناسان اروپایی با خواندن موبدان و دستوران فرق دارد. در این‌باره آزمایش‌هایی آواشناختی انجام و نتایج زیر حاصل شد.

تاریخ آواشناسی زبان اوستایی را می‌توان به شرح زیر نشان داد:



چنان‌که در نمودار ۱ دیده می‌شود، در مرحله یک، در زبان اوستایی واکه‌های ساختگی وجود نداشت. در مرحله ۲، زردشت آن را آهنگین کرد. (متخصصان آواشناسی معتقدند که استفاده از آهنگ در زبان تغییرات قابل ملاحظه‌ای را موجب می‌شود؛ مثلاً خوانندگان حرفه‌ای اپرا هیچ‌گاه واکه‌های *i* و *u* را با کشش

### تاریخچه آواشناسی واکه‌ها در زبان اوستایی ۳

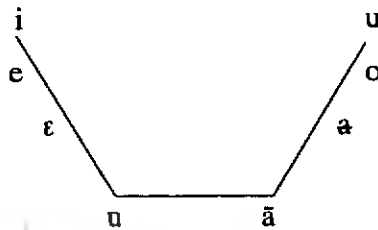
نمی‌خوانند، زیرا این واکه‌ها بسته‌اند و نمی‌توان آنها را بلند ادا کرد. متون اپرا نیز طوری سروده می‌شوند که واکه‌های o، e و a کشش داشته باشند.)  
شاید، در این مرحله، واکه‌های ē و õ به نظام آوایی زبان اوستایی اضافه شده باشد که در پارسی باستان وجود نداشته‌اند و اوستاشناسان روسی این تغییرات را «ریشه‌شناختی» نمی‌دانند. احتمال دارد که در همین مرحله واکه‌های مرکب aē و ao نیز اضافه شده باشد؛ البته باید توجه داشت که این واکه‌های مرکب در هیچ زبانی به ترتیب در کنار ai و au وجود ندارند، زیرا به لحاظ آواشناسی تجربی آنها در کنار یکدیگر قابل تشخیص نیستند.

بعد از این مرحله، زبان اوستا دیگر زبانی زنده و رایج نیست؛ و، چون گویسوری وجود نداشت، نسل‌های بعدی برای خواندن گات‌ها از نظام آوایی خود استفاده کردند که یا به نظام آوایی اصیل اضافه شد یا تلفظ بعضی از آواها را تغییر داد. از مرحله ۳ (مادها) اطلاع و روایتی در دست نیست؛ اما دربارهٔ مراحل ۴ و ۵ و ۶ اطلاعاتی داریم و می‌دانیم که، در هیچ یک از این مراحل، نه واکه‌های õ و (šwa) و نه واکه õ (با تلفظ در بینی) وارد نظام آوایی زبان اوستایی نشده‌اند، زیرا در زبان مادری موبدان آن زمان چنین واکه‌هایی نبوده است. بی‌تردید این دو واکه در مرحله ۸ اضافه شده‌اند؛ در دورانی که زردشتیان به گجرات - اطراف شهر بمبئی - مهاجرت کردند. زبان گجراتی، که از خانوادهٔ هند و آریایی است، ۱۴ واکه دارد؛ حال آنکه تعداد واکه‌ها در زبان‌های ایرانی بیشتر از ۸ یا ۹ تا نیست؛ بنابراین، در خواندن و یادگیری متون اوستایی، برای سهولت، بعضی از نشانه‌ها را، که قبلاً یکسان تلفظ می‌شدند، در اینجا متفاوت خواندند. در این مرحله است که واکه‌های õ، õ و õ در تلفظ دستوران هندی پیدا شدند. گذشته از این، موسیقی ایرانی با موسیقی هندی از لحاظ دستگاه‌ها تفاوت‌هایی اصولی دارد؛ و این تفاوت امروزه با مقایسهٔ روش اوستاخواندن دستوران با موبدان، هم در آواها و هم در آهنگ، نمایان است.

تقریباً در دو قرن پیش، اوستاشناسان اروپایی طرز خواندن اوستا را از دستوران فراگرفتند؛ اما در این یادگیری آهنگ خواندن را حذف کردند، و چون ارتباطشان با دستوران قطع شده بود، در تلفظ آنان ابهام‌های بیشتری پدید آمد.

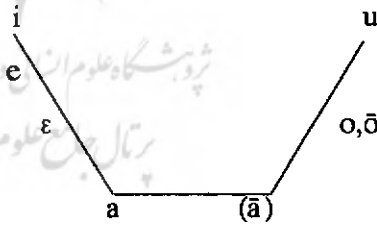
#### ۴ فرهنگ، ویژه زبان‌شناسی

بعدها سبک ایرانی (یعنی یزدی، کرمانی) در کنار سبک هندی (یعنی گجراتی) ادامه یافت. نمودار نظام آوایی گویش یزد در کتاب‌های واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد (مزدابور ۱۳۷۴: ۹۹) و بررسی ساختمان دستوری گویش بهدینان شهر یزد (فیروزبخش؟: ه) بدین‌گونه آمده است:



نمودار ۲

اما براساس آزمایش‌های آواشناسی انجام‌شده در تهران، در مرداد - شهریور ۱۳۸۲، مشاهده شد که به جای واکه  $\text{a}$  واکه  $\text{ō}$  تلفظ می‌شود (در این آزمایش‌ها، تلفظ‌های ۹ گویشور، که ۲ تن از آنان موبد بودند، ضبط شده بود)؛ در نتیجه، نظام آوایی این گویش به شکل زیر نشان داده می‌شود:

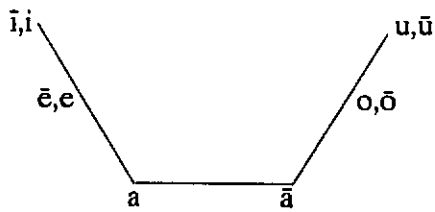


نمودار ۳

واکه  $\text{ā}$  در واژه‌های دری نیست، ولی گویشوران، از آنجا که همه فارسی بلدند، به خوبی می‌توانند این واکه را تلفظ کنند. واکه  $\text{ō}$  با واکه  $\text{ā}$  مطابقت دارد: ketāb (فارسی) ← ketōb (دری یزدی).

در یک آزمایش آواشناختی که در آن از موبدان ایرانی متولد شهر یزد خواسته شد صفحات ۳۷۵ تا ۳۷۷ کتاب خرده اوستا را بخوانند و آنان خواندند، نظام واکه‌های اوستا بدین‌گونه تعیین شد:

## تاریخچه آواشناسی واکه‌ها در زبان اوستایی ۵



### نمودار ۴

در تلفظ موبدان، واکه‌های  $e-\bar{e}$  و  $a-a$  تمایزی ندارند. بنابراین، همان‌طور که شاخه اوستاخوانی هندی از تلفظ موبدان ساسانی سرچشمه گرفته، این تمایز نیز در دوره گجراتی (- نمودار ۱) پدید آمده است.

### کتابنامه

- آثاری، مهدی. ۱۳۸۱. هویت موسیقی ملی ایران و سازها. تهران: دهخدا.  
بینش، تقی. ۱۳۸۰. تاریخ مختصر موسیقی ایران. تهران: هوای تازه.  
خرده اوستا(برگردان از دین دبیره). ۱۳۸۰. رشید شهمردان. تهران: ؟.  
فیروزبخش، فرانک. ۱۳۷۷. بررسی ساختمان دستوری گویش بهدینان شهر یزد. تهران: فروهر.  
مزدآپور، کتابون. ۱۳۷۴. واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد. ج ۱ (آ-پ). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
مشحون، حسن. تاریخ موسیقی ایران. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
Farmer, H.G. 1967. *Music. (A Survey of Persian Art)*. Vol. 6. London.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی